شرح فقره‌ی: «شهادتان ترفعان القول»

- محوریت شهادتین بعد از فتنه‌ی سقیفه

محوریت شهادتین بعد از فتنه‌ی سقیفه

در صفحه‌ی هفتاد و سوم، در خطبه‌ی اول‌سیلی بودیم. حضرت علیه‌السلام فرمودند:

> «ونحمده بالحمد الذي ارتضاه لخلقه ، وأوجب قبوله على نفسه ، وأشهد أن لا إله إلا اللّه وحده لا شريك له ، وأشهد أن محمد عبده ورسوله ، شهادتان ترفعان القول ، وتضاعفان العمل ، خفّ ميزان ترفعان منه ، وثقل ميزان توضعان فيه» [1].

چه عباراتی است! دم و دستگاهی است! کلماتی را که خدمت شما عرض کردم، دقیقاً یادم نیست، ولی ظاهرا عرض کردم که راجع به لغت «ضَعُفَ»، «ضَعَف»، «ضعف» تحقیقی داشته باشیم.

قبلش حضرت علیه‌السلام فرمودند: «شهادتان ترفعان القول». البته می‌دانید که شهادتان، ضروری دین اسلام است. آن چیزهایی که سبب مسلمان‌شدن، می‌شوند، یکی شهادت به توحید و دیگری شهادت به رسالت است. یکی از آن‌ها کافی نیست. بحث‌های فقهی و سبک و سنگین آن هم، سر جای خودش. بحمدالله نوعاً می‌دانید.

شاید «شهادتان»، ناظر به چیزی باشد که در نهج‌البلاغه هست. حضرت علیه‌السلام می‌فرمایند: وقتی پیامبر صلّی‌اللّه‌علیه‌وآله، آینده‌ی امت اسلامی را ذکر فرمودند، چنین عرض کردم:

> «قُلْتُ يَا رَسُولَ اللّه فَبِأَيِّ الْمَنَازِلِ أُنْزِلُهُمْ عِنْدَ ذَلِكَ أَبِمَنْزِلَةِ رِدَّةٍ أَمْ بِمَنْزِلَةِ فِتْنَةٍ فَقَالَ بِمَنْزِلَةِ فِتْنَةٍ» [2].

این چیزهایی که شما به من خبر دادید، سبب می‌شود که اینها از اسلام خارج شوند؟ یا مفتون هستند؟ یعنی فتنه است و مرتد نیستند. حضرت علیه‌السلام فرمودند: «بمنزلة فتنة».

بنده احتمال می‌دهم، هفت روز بعد از شهادت پیامبر خدا صلّی‌اللّه‌علیه‌وآله که حضرت علیه‌السلام می‌فرمایند: «شهادتان»، یعنی فعلاً در فضایی قرار گرفته‌ایم که این «شهادتان» محوریت دارد. ایمان بالمعنی الاخص در آن شرائط، به‌معنای خاص خودش و در باطن امر قرار گرفته است، نه در فضای جریان احکام ظاهری. لذا می‌فرمایند: «شهادتان»؛ الآن روزی است که این شهادتان محوریت دارد. واقعیتش که واقعیت آن است، روی حساب بازتاب آن در امور اجتماعی هم به این صورت است.

[1]. شیخ صدوق، التّوحید، ج۱، ص ۷۳.

[2]. نهج البلاغه (بر اساس نسخه ی صبحي صالح)، ج ۱، ص ۲۲۰.